

# [Afghanistan Digital Library](#)

adl0303

<http://hdl.handle.net/2333.1/h189328h>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu



قوماندان مکتب فنون حربیه  
رئیس و مفتش عموم مکاتب عسکریه افغانستان :

جنرال

السید محمود سامی

بمکتب اخپور

از تعلیمنامه پیاده

آده سینه باش قوماندان اقدس اردوی افغانستان

علیه حضرت « الغازی امیر امان الله خان »

وامر قوماندان اعظم سپهسالار غازی و ناظر

حربیه سردار اعلی جناب محمد نادر خان صاحب

مطبعه مکتب فنون حربیه طبع گردید .

طبع ثالث

کابل - اول عقرب - ۱۲۹۹

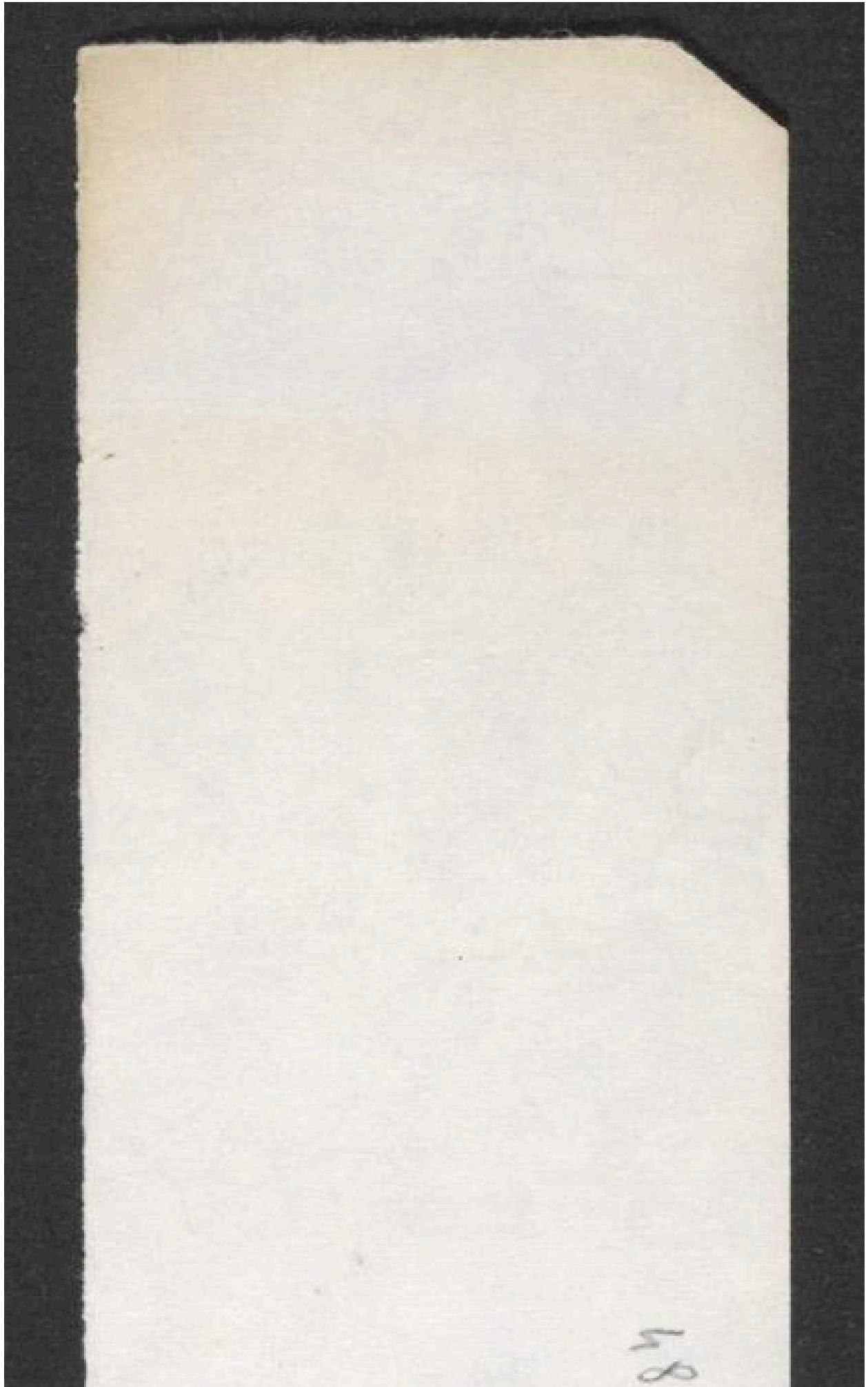
قیمت - یک روپیه کابلی

Ta'lim-nâma

-e pyâda (1277)

Repñis dans

id 1300 / 1221





مكتبة جامعة بغداد  
الجامعة العراقية  
بغداد

رقم الكتاب  
رقم الرف

تاريخ الشراء

ملاحظات

هذا الكتاب قد اقتنيته من مكتبة  
الجامعة العراقية في بغداد بتاريخ  
الـ ١٠ من شهر كانون الثاني سنة  
١٩٥٠م. وهو من الطبعة الأولى  
التي صدرت في سنة ١٩٤٨م. وهو  
من مؤلفات الأستاذ الدكتور  
محمد باقر الصدر.

١٩٥١ - سنة الشراء  
١٩٥١ - سنة الشراء



قومانندان مکتب فنون حربيه  
و مدير و مفتش عموم مکاتب عسکریه افغانستان :  
جنرال

السید محمود سامی

از تعلیمنامه پیاده

بمخت اخبور

با اراده سنیة باش قومانندان اقدس اردوی افغانستان  
اعلیحضرت « الغازی امیر امان الله خان »  
وامر قومانندان اعظم سپهسالار فازی و ناظر  
حربیه سردار اعلی جناب محمد نادر خان صاحب  
در مطبعه مکتب فنون حربیه طبع گردید .  
طبع ثالث

کابل — اول عقرب — ۱۲۹۹

## تیت نظام [۱] قواعد عمومی

۱۴۲ — افراد عسکریه از مجتمع نظام  
خطهای اخیور تشکیل نموده به تیت نظام ؛ داخل  
میشوند . منزهای اخیوریان در تیت نظام ؛ مختلف  
میباشد . مقدار منزها در قومانده هرگاه مذکور  
نباشد قاعده دو دو خطیه یعنی دو دو که  
میباشد . و اگر کمتر و یا زیاده تر از مقدار  
مذکور ؛ مطلوب باشد باید که امر کرده شود  
هر خط اخیور ؛ که منزهای آن ازدو کام  
افزونتر باشد آن خط را « خفیف خط اخیور »

---

[۱] مقصد اصلی اردو ؛ تیت نظام است  
مجتمع نظام ؛ مقصد اصلی نمیباشد بلکه عبارت  
از واسطه تاسیس نمودن ضبط و ربط و اطاعت  
میباشد . چرا که ضبط و ربط و اطاعت ؛ در  
و روح اردو و واسطه نخستین مظفریت اردوست

و اگر کمتر باشد « کثیف خط اخیور » مینامند .  
 اداره نمودن خط اخیوریکه منزهایش خیلی  
 زیاده باشد مشکل است . و خط اخیور وقتیکه  
 بی منز میباشد بازمم ؛ منزهای آن باید که بدین  
 درجه باشد که افراد ؛ اسلحه خود را آزادانه  
 استعمال کرده بتوانند .

۱۴۳ — عموماً در تشکیل خط اخیور باید که

اسم و نومره قطعه عسکریه که اخیور میشود بیان  
 و نیز در حین لزوم ؛ استقامت رفتار و ارتباط  
 آن ؛ تعیین کرده شود . بهتر و مناسبتر ؛  
 اینست که ارتباط از حد وسط باشد . قطعه که  
 برای ارتباط ؛ منتخب و اساس گردید « قطعه  
 ارتباط » نامیده میشود .

۱۴۴ — فرد در تیت نظام ؛ به بودنش در یک

موقع همین ؛ بدرجه که در مجتمع نظام می بود  
 و به گرفتن بدنش در وضعیت مخصوصه ؛ و نیز  
 به استعمال سلاح خود بیک صورت مرتبه مانند  
 که در حرکات تفنگ میکرد مجبور نیست یعنی نفر



در تیت نظام ؛ آزاد و بی قید میباشد . اما  
 بعقابل تکالیفیکه رفع شد خصوصات مهمه ذیل  
 از نظر مذکور ؛ طلب کرده میشود که :  
 — نفر در خصوص استعمال تفنگ خود و  
 استفاده از اراضی ؛ ماهر باشد ،  
 — بداخل دائره و ظائفیکه بخودش مائند  
 استقلال حرکت داشته باشد ،  
 — به ما فوقان و دشمنان خود ؛ متا دیاً  
 دقت فوق العاده نماید .

افراد جدیده بمجردیکه زیر سلاح آیند می  
 باید که به آنها خصائل عسکریه ؛ قوه بیزه ،  
 اعتماد نفس و شجاعت ؛ ایقاظ و تفهیم و تلقین  
 کرده شود و در انشای کل خدمت عسکریه ؛ به  
 تأیید و تقویه خصائل مذکوره کوشیده شود .  
 ۱۴۵ — قوماندانان معیت [ ۱ ] [ دلکی

---

[ ۱ ] قوماندانان معیت = در اینجا مراد ضابطان  
 و خورد ضابطان تولی است .

باشی ها نیز داخل [ را به صورت اساسدار ؛ تعلیم  
و تربیه نمودن ؛ جائز اهمیت مخصوصه است .  
در تعلیمهای محاربه یعنی در انشای مشق محاربه ؛  
قوماندانان معیت در خط اخپور باید که از چنین  
وضعیت بدن ؛ ایفای و وظیفه کنند که در محاربه  
حقیقی ؛ تأثیر آتش دشمن ؛ وضعیت مذکور را  
استلزام و تقاضا نماید .

کافه چاوشان [ یعنی حواله داران ] ودلگی  
باشی ها و افراد لیساقندار باید که در و ظائف  
دلگی باشی کری ؛ تعلیم و تربیه کرده شوند .

۱۴۶ — خط حرکت یعنی دستور العمل  
در خصوص تعلیم و تربیه ؛ عبارت ازینست که مقصد  
و مدما برای نمایش فدا نشود یعنی از حرکات مصنع  
که به نظر ؛ خوشنما و در حقیقت ؛ بی لزوم اند  
مجانبت کرده شود .

## ۱ - تربیه منفرد در تعلیم اخیور

۱۴۷ - خوب کار کردن يك قطعه عسکریه در اثنای محاربه ؛ خاص وابسته به اینست که تربیه منفرد تعلیمهای اخیور ؛ بکمال دقت و اعتنا اجرا یافته باشد .

چون اهمیت تربیه منفرد تیت نظام ؛ از اهمیت تربیه منفرد مجتمع نظام ؛ دون نمیباشد یعنی تفاوت ندارد لهذا تربیه منفرد تعلیمهای اخیور باید که در اثنای کل خدمت عسکریه بردوام باشد .

برای آموختن قاعده های ابتدائی استعمال تفنگ میباشد که به افراد عجمی یعنی به افراد جدیده ؛ چند روز بعد از ورود شان فوراً تفنگ داده شود .

شروع و مباشرت تعلیمهای اراضی ؛ بالای افراد جدیده باید که علی قدر الامکان ؛ تسریع

کرده شود و تعلیمهای مذکور ؛ متعاقب و بهم  
اجرا یابد .

۱۴۸ — موادیکه بیشتر از تعلیمهای اخیور  
برای افراد ؛ لازم التعلیم اند قرار آتیست :  
— معلومات خیلی بسیط از جمله نظریات انداخت ،  
— شناختن اراضی و استفاده از اراضی ،  
— هدفهارا دیدن و شناختن [ چشم را آموخته  
کردن ] ،

— مسافت را تخمین و نشانگاه را تنظیم  
کردن .

۱۴۹ — طرز و ماهیت محاربه اخیور ؛  
اولاً بواسطه اطاعت صغیره عسکرینه که از افراد  
معلم ؛ تشکیل یافته باشند برای افراد جدید  
در اراضی ؛ ارائه و ایضاح کرده میشود .

بعده عجمی ها را یعنی افراد جدید را نیز  
بلذات در تعلیمها شیک حالات بسیطه محاربه را  
نشان میدهند شریک ساخته معلومات شان را

تزیید ؛ و بمقابل يك دشمن مفروض ؛ حرکت  
نموده طرز حرکت اخیوری ها هم در تمرین و هم  
در مدافعه ؛ اراده و تعلیم کرده میشود .

۱۵۰ — رفر بعد از آنکه در حرکات بر کردن  
تفنگ و نیز در انواع وضعیتهای نشان ؛ اندکی  
کسب مهارت کند بتعلیم حرکات مذکوره  
در اراضی بمقابل هدفهای محاربه [ یعنی اشکال ]  
سی و تشبث کرده میشود .

در هر وضعیت بدن باید که تفنگ را بسیار  
جیلاک بر کردن ، نشانگاه را بسرعت و صحت  
تنظیم نمودن ، وضعیت نشان را سریع و ماهرانه  
گرفتن و به هر هدف یعنی حتی به هدفهاییکه اندک  
زمان بزیر آتش داشتن نشان مقتضی باشد نیز  
زینهار هول و تلاش نکرده بکمال سکون ؛ نشان  
گرفتن و ماشه را کش کردن ؛ تعلیم کرده شود .

۱۵۱ — به اخیوریهها ایضاح نمودن این  
فقرات لازم است که از جمله عوارض و تفصیلات

درمین : کدام آنها تنها از نظر دشمن و کدام آنها  
 از آتش او نیز مستور میدارد . و از پس پشت  
 عوارض و تفصیلات مذکوره آیا کدام وضعیت  
 نشان گرفتن : مناسب می افتد و سپرهای اخپور  
 [ خندقها و غیره ] چه گونه استعمال کرده میشود .  
 ۱۵۲ — اخپوریا چنین تعلیم و تربیه شوند  
 که دائما تأثیر آتش را مرجع بر مستوریت بدانند .  
 لهذا در انشای ستر نمودن بدن خودها باید  
 که چنین دقت کنند که دشمن : زیر نظر شان  
 آید . یعنی اول درجه : تأثیر و دوم درجه  
 تستر .

بناءً علیه آیا از سپر تا کدام درجه : استفاده  
 کردن ممکن است و یا بالکل از تستر : صرف نظر  
 نمودن لازم است این دو لزوم : خاص بواسطه  
 وضعیت نشان و نشان گرفتن : تحقیق کرده  
 میتوان شد .  
 هرگاه آتش کرده نخواهد شد اخپوریا باید

از سپر بدینگونه استفاده کنند که حتی الامکان  
 از نظر و تأثیر آتش دشمن مسکوره و محفوظ  
 باشند. — در اراضی مرئی؛ اخپوری مسا  
 خاص بوضعیت پروت؛ مدت مدیده به آتش  
 دشمن؛ مقابله کرده میتوانند. بناء علیه بالخاصه  
 از وضعیت پروت باید که تفریق و ترصد اهداف؛  
 تعلیم کرده شوند. — چون بعضی مؤثرات؛ مانند روشنی  
 و یا خیره کی؛ رنگ لباس؛ روشنی و یا خیره کی  
 و تاریکی؛ پس پشت هدف؛ و صافی و یا ابر ناکی  
 هوله؛ درجه مرئییت هدف را با اختلاف میدهند  
 بنابراین؛ نظر دقت افراد را در خصوص مؤثرات  
 مذکور؛ جلب نمودن لازم است. —  
 ۱۵۵ — هر اخپوری باید که هر نوع موانع  
 بکمال مهارت؛ اقتحام کرده بتواند یعنی در هیچ  
 موانع؛ بنده نماند.

حیدر  
 ۱۱ - علاج الودود - نوزاد  
 نوزده

بالخاصه باید که از خندقهای کبر ؛ خیز زدق و  
 بداخل خندقهای بردار در آمده از شیو مقابل آنها  
 چنگ زده بر آمدن و به دیوار ها و غیره بالا  
 شدن ؛ تعلیم کرده شود .

۱۵۶ - به نقری 'اخیور' باید که مستوراً  
 اصول تقرب بدشمن ؛ نیز تعلیم داده شود .  
 نقری 'اخیور' باید که از ستره و چقوری 'خرد ترین  
 زمین ؛ مکملآ استفاده کنند و در اراضی غیر  
 مستور نیز ؛ خمیده و یا زحف کرده حتی الامکان ؛  
 مستوراً و بکمال مهارت ؛ پیشرفت کرده بتوانند .

۱۵۷ - به نقری 'اخیور' باید که استعمال  
 ادوات استحکامیه نیز ؛ تعلیم کرده شود . و  
 مطالب خصوص مذکور اندر بجا تزیید کرده شود  
 یعنی از مسند بسط تفنگ گرفته الی سپرهای  
 مستحکم اخیور ؛ همه را نقری 'اخیور' باید که  
 حفر و احضار کرده بتوانند .  
 نقری 'اخیور' باید آموخته باشند به اینکه برای



ستر بدن خود ؛ سریمایك سپر خرد ؛ انشا کنند  
و چنین سپرا در عین وضعیت پروت نیز ؛ ساخته  
بتوانند .

۱۵۸ — طرز حرکت در تاریکی و در اثنای

شب ؛ به بعضی ملکات مخصوصه محتاجست که  
تحصیل آن خاص بواسطه تعلیم و امان ؛ ممکن  
است . تعلیم و تربیه خصوص مذکور باید که هنوز  
لز دوره عجمی ها شروع و مباشرت کند .

در تعلیمهای مذکور نیز باید که بیک اصول  
و یک قاعده تدریج ؛ عمل نموده تحصیل و تأمین  
ترقی کرده شود . بدین موجب :

تعلیمهای شب باید که اولاً در نیم تاریکی  
[ یعنی بالکل تاریکی نباشد ] و در تعلیمخانه  
چاونی و یا در اراضی معلومه و بعمده در اراضی  
غیر معلومه ؛ و نهایت در تاریکی تام ؛ اجرا  
کرده شود . و چشم و گوش باید که به تأثیرات  
متبدله ظلمت تامه و ناقصه [۱] که بر احوال

[۱] ظلمت = تاریکی ۱

واشیا واقع میشود آموخته کرده شود .  
در خصوص تمیز و تقدیر استقامت و دلالت  
اصوات مختلفه باید که اکتساب ملکه و ممارسه  
کرده شود .

تظاهرات متبدله انسان ، اشیا و اشکال  
ارضیه را [ که در تاریکی حادث میشود ] نشان داده  
ایضاح کردن لازم است . و درین خصوص باید که  
تأثیر زمین ، مسافه ، احوال هواییه و درجات  
ضیائیہ نیز ؛ به نظر دقت آورده شود .

نظر به بعض نقاط اراضی که در اثنای روز ؛  
نشانی و ارائه کرده میشود و یا نظر به بروج و  
کواکب ؛ جهت و استقامت را تعیین نمودن نیز ؛  
باید که بیک اعتنا و صورت مخصوصه ؛ تعلیم  
کرده شود .

افراد برای حرکات شب باید بدینگونه تعلیم ؛  
کرده شوند که دائما غافل نباشند و خاموش باشند .  
و همه تجهیزاتشان برای اینکه آواز ندهند خوب

تثبیت شوند و یا بدست گرفته شوند .  
 در اراضی ناهموار نیز ؛ نفر باید که به پای خود  
 ندیده راه برود .  
 در تاریکی ؛ به امن و خاموشانه گذشتن از  
 موانع ؛ کیفیتست وابسته به تعلیمهای خصوصی  
 میباشد .

۱۵۹ — مقصد از کافه همین تعلیمها اینست

که نفر ؛ چنین اخپوری جنکاور گردد که خود  
 بخود ؛ فکر کند و موافق حال و مصلحت ؛  
 حرکت نماید .

به اصابت هر مرمی ؛ عزم قطعی داشتن و  
 در اثناشکه مافوق نباشد نیز ؛ در ایفای وظیفه  
 بکمال صدق و اهتمام کوشیدن ؛ شرائط اساسی  
 تفوق را تشکیل میدارد .

### ب . غبرک و دلگی

۱۶۰ — قوت و طرز و ترکیب غبرک

دلکی جناحی در مجتمع نظام بود میباشد .  
 غبرکهای زیاده کی ؛ به دلکی دست راست آنها  
 هاندند . به مرداکی ؛ یک دلکیباشی ؛ قومانده  
 میکنند .

۱۶۱ — خط اخیور ؛ چون از غبرکها و  
 دلکی ها مرکب است لهذا تعلیم و تربیه خط  
 اخیور باید که اولاً بواسطه تعلیم مواد آتیه بداخل  
 غبرک و دلکی ؛ احضار کرده شود :

ا — به صور مختلفه ؛ اخیور کردن [مثلاً :

دادیا ( یعنی به قدم ) ویا دویده ، به متر  
 های مختلف ویا بی متر ، جابجا ویا  
 پیش رفته ، رو برو ویا به استقامتهای  
 مائل ، به قومانده ویا به اشارت ...  
 والنخ ] .

ب — یکجا شدن و جمع شدن .

ج — حرکات خط اخیور [ بهر جهت .  
 و درین اثنا متزهارا تزبید و تقیص

کردن ] ،

د — جهیده ( یعنی تزه پله کرده ) وزحف

کرده پیشرفتن ،

ه — يك موضع معین را اشغال کردن ،

و — در ایستاده کی [ در وضعیهای مختلف ]

و در انشای رفتار ؛ سلاح پر کردن .

ز — خواه در وضعیهای متنوع بدن و خواه

در پس پشت سپر های اخپور ؛

نشانیگاه های مختلف ؛ استعمال نموده

متنوع وضعیهای نشان گرفتن ،

ط — انواع آتش کردن و آتش را قطع کردن ،

ی — در خط اخپور ؛ اوامر را تکرار

نموده بیکدیگر ؛ تبلیغ کردن .

۱۶۲ — حرکات سالفه یعنی حرکات فوق ؛

اول باول باید که در میدانهای تعلیم یعنی در تعلیمخانه ها

شکلاً [ یعنی بيك وضعيت محاربه ؛ مستند

نباشد ] یاد داده شود . وقتیکه درین باب ؛

مهارت لازمه ؛ حاصل شد به تعلیم و تربیه  
دلکی در اراضی ؛ شروع کرده میشود . قواعد  
اساسیه تعلیم و تربیه دلکی از قواعد تربیه منفرده ؛  
فرق و تفاوت ندارد . مگر بر قواعد اساسیه  
مذکور ؛ همین دو خصوص می افزاید :

اولاً هر نفر ؛ رفیق همپهلوی خود را [خواه در خصوص  
حرکت و خواه در خصوص آتش و خواه در خصوص  
استفاده از اراضی ] زیر نظر دقت خود بیاورد .  
ثانیاً : به قومانده ها و اشارات مافوقان  
خود ؛ دقت نماید .

۱۶۳ — دلکی باشی ها بالخاصه باید که بکمال  
دقت و اعتنا تعلیم و تربیه کرده شوند . دلگیباشی  
هم معاون قوماندان بلوک خود میباشد و هم برای  
دلکی خود ؛ چنین یک قوماندان مسئول است که  
بداخل وظیفه مودوعه خود مستقلاً حرکت میکند .  
دلگیباشی در خصوصات ذیل باید که معلم یعنی  
تعلیم یافته باشد :

تجهیزات و وسایل مورد نیاز

— برای یافتن و شناختن هدف و نیز برای

ترصد تأیید رسمی باید که دور بین ؛ استعمال  
کرده بتواند .

— مسافه های وسط و کلان را بسرعت

وصحت ؛ تخمین کرده بتواند ،

— و خصوصاً قومانده هائیکه درتیت نظام

به اداره آتش ؛ عائد اند داده بتواند .

۱۶۴ — دلگیمشر ؛ اخیورپهای خود را

بداخل منطقه حرکت دلگی خود یعنی بداخل

محلپیکه برای دلگی خود ؛ مخصوص است

حتی الامکان ؛ مستوراً سوق نماید . و بکمال سرعت

ومهارت ؛ باعث اخذ موضع شان شود .

دلگیمشر به خصوصات ذیل ؛ باید که متمادیاً

دقت نماید :

— به تنظیم نشانگاه ها بصحت ،

— به تقسیم آتش ،

— به اجرای آتش به دقت ،

— به سرعت آتش و صرفیات جبهه ها

— به نشر و تودیع اوامر و تبلیغات شفاویه

از هم دیگر [ یعنی افراد ؛ بیکدیگر خود

گفته امر هارا برسانند ] .

۱۶۵ — بلوکیکه، اخیور میشود چون

جبهه آن زیاد میباشد لهذا در هر حد جبهه

مذکور ؛ بیک اندازه ؛ تستر و حرکت اخیوریا

خارج امکان است .

قوه مخربه آتش دشمن ؛ علی الاکثر ؛

حرکت پیشرفتن را و متحداً اداره آتش را نصیب

میکند یعنی مشکل میسازد . بنا بران ؛ دلگیمشر

باید که آتش دلگی خود را مستقلاً نیز اداره کرده

بتواند . و هر وقتیکه بداخل یک جزو نام ؛

تعرض کرده میشود در خصوص تقرب بدشمن ؛

از هر فرصتیکه پیدا شود باید که بدون امر و اجازه

گرفتن هم ؛ استفاده نماید . و در هر حرکت

دلگی های مجاورش بواسطه آتش دلگی خود ؛



معاونت کند .

۱۶۶ — دلکی باشی ها هر وقتیکه وظائف شان

در خصوص اداره کردن دلکی های خود مساعد

باشد به آتش ؛ اشتراك می ورزند . و این هم ؛

علی الاكثر در محارباتیکه در عین موضع ؛ مدید

باشند واقع میشود .

ج . بلوك

قوماندان بلوك

۱۶۷ — در تیت نظام ؛ جزو تام قومانده

و اداره آتش ؛ بلوك است .

۱۶۸ — قوماندان بلوك ؛ تشکیل خط

اخیور را ، استقامت رفتار را و در حین لزوم ؛

ارتباط را امر میکند . و مزهارا نظر به مقصد

محاربه ، بمحل موجود و به مسافه دشمن ؛

تعیین میدارد .

۱۶۹ — قوماندان بلوك يعنى بلوكمشر ؛  
در حال مدافعه ؛ بلوك خود را در موضع می نشانند .  
و برای شروع آتش ؛ احضارات لازم را اجرا  
میدارد .

۱۷۰ — بلوكمشر ؛ در حال تعرض ؛ اولاً  
باید سعی و غیرت کند باینکه بلوك خود را حتی الامکان  
به اندك تلفات ؛ به چنین مسافه برساند که از اینجا  
شروع آتش را موففاً اجرا کرده بتواند .  
موماً الیه برای مقصد مذکور ؛ خط اخپور  
قوی و کشیف خود را تا که اراضی و آتش دشمن ؛  
مساعد است متحداً [ یعنی به اقسام ؛ تفریق نکرده ]  
به سوی دشمن ؛ سوق کند . درین اثنا البته  
از جایهاییکه معروض آتش دشمن میباشد دویده  
یعنی تره پله کرده گذشتن لازم و ممکن است .  
هرگاه بقرار فوق ؛ متحداً حرکت نمودن  
در اراضی بی ستره یعنی در اراضی هموار ؛  
هنوز از ابتدا ناممکن باشد و یا از تراید تأثیر آتش

دشمن ؛ صرف نظر از حرکت مذکور [ یعنی از متحدان  
 حرکت ] لازم آید بلوکش را باید که نصف نصف  
 و یا دلکی دلکی ؛ خطهای خیلی خفیف اخیور ؛  
 تشکیل کرده به مسافه های غیر منظم ؛ متعاقباً  
 سوق نماید . و دقت و غیرت کند به اینکه بلوک  
 خود را خواه در یک محل مستور و خواه در وضع  
 نخستین آتش ؛ باز متحد و یکجا ساخته به قبض  
 خود آرد .

۱۷۱ — بعد از شروع آتش ؛ واسطه بسیطر  
 و سریعتر تقرب به دشمن ؛ اینست که کل بلوک ؛  
 متحدان زه پاره کند . مگر باید که زه پاره مذکور  
 بیشتر ؛ مکملأ احضار و بواسطه آتش قطعات  
 مجاوره ؛ حمایه کرده شود و بعد اجرا یابد .  
 و اگر بدینگونه ؛ تقرب به دشمن ؛ دوچار مشکلات  
 گردد جبهه بلوک را به اقسام صغیره ؛ تقسیم  
 کرده [ به نصف و یا دلکی ] متناوباً سوق نمودن  
 لازم است . درین حال ؛ طرز حرکت و شکل

پیشرفت اقسام مذکوره باید که هم مختلف و هم غیر  
 مطرد باشد . اقسام مذکوره در انشای تره پله خود ؛  
 منزلهای خود را به اندازه مساعده آتش قطعات  
 مجاوره آنها تزئید نموده و در داخل ستره تکرار  
 تقیص کرده یعنی بهم نزدیک شده می توانند .  
 و یا افراد ؛ یکی عقب دیگر و حتی فرداً فرداً  
 هم ؛ پیشرفته و یا زحف نموده قطع مسافه کرده  
 می توانند ( ماده - ۱۳۵ ) .

قوماندان بلوک یعنی بلوکشر ؛ این را هیچ  
 وقت از فکر و ملاحظه خود ؛ دور نباید کرد که  
 واسطه مهمترین تقرب به دشمن ؛ عبارت از  
 استحصال تفوق آتش است . ازین سبب ؛  
 و ما لبه یعنی بلوکشر باید سعی و غیرت نماید  
 به اینکه از هر فرصت ؛ استفاده کرده بلوک  
 خود را فراهم آورده به قبض خود بیارد ؛ که  
 هم آتش را و هم پیشرفتن را متحداً اداره نماید و  
 نفوذ و مداخله خود را بالای بلوک خود ؛ ادامه کند .

۱۷۲ — به مقصد اینکه از اراضی مکملآ  
استفاده کنم گفته برای بلوکشر جائز نیست که  
نظر خود را از دشمن جدا کند و یا استقامت  
تعرض را تبدیل نماید . به حرکات و آتش قطعات  
مجاوره ؛ مانع نشود . بنا به ملاحظه مستوریت  
بعض اقسام خط اخپور باید که اتحاد حرکات  
عموم بهیچ صورت ؛ سکتہ دار نشود .

۱۷۳ — در فرصت تأمین یک فائده و یا  
در فرصت استفاده از ضعف دشمن ؛ بلوکشر  
به استقلال حرکت ؛ مکلف است . مگر باید که  
تأثیر فائده مذکور را بر عموم ؛ ملاحظه نموده  
درجه امکان استفاده را مکملآ و بدرستی ؛  
تقدیر نماید .

۱۷۴ — بلوکشر ؛ مسئول است از اینکه  
مسافه را بصحت ؛ تعیین نماید . مومالیه برای  
مقصد مذکور ؛ دو نفر مخمن مسافه ؛ نزد خود  
نگه میدارد . اینها نتیجه تخمین خود را بدون اینکه

بلوکشر : سؤال کند برای بلوکشر موما الیه  
میگویند . مع مافیه بلوکشر از تخمین دلگیمشرهای  
معتمد نیز استفاده باید کرد .

بلوکشر و دلگیمشرها و نخمنان : در خصوص  
نخمین مسافه : برای اینکه چنین توحید اعمال  
نمایند که موافق محاربه باشد تعلیمهای خصوصی  
بکار است .

نخمنان مسافه در خصوص برصد دشمن و قطعات  
مجاوره خود باید که به قوماندان بلوک : معاونت  
کنند .

به تاسیس ارتباط چشمی به همراه تولیمشر  
اگرچه بوریزان یعنی طرفی مکلف است اما  
در حال فقدان بوریزان یعنی اگر طرفی مفقود  
باشد تاسیس ارتباط مذکور : نیز به نخمنان مسافه  
حادث و راجع میشود ( ماده - ۲۲۱ ) .

وقتی که اهمیت وظائف سائره نخمنان مسافه نماید  
بلوکشر : آنها را نیز به آتش : شریک میسازد .

## تشکیل خط اخیور

۱۷۵ — خط اخیور ؛ باید که از هر شکل  
مجمع نظام به هر طرف ؛ سرعت و بکمال انتظام  
و سکون ؛ تشکیل یابد .  
« استقامت رفتار » و « ارتباط » یا در  
قوماندۀ اخیور و یا بیشتر و یا پستر ازان ؛ امر  
کرده میشود .  
هرگاه اخیور از صف حرب بلوک شده  
ارتباط ؛ بدیگر صورت امر و تعیین نشده باشد  
قاعده ارتباط ؛ ازدلگی جناح راست نصف دوم  
و اگر اخیور ؛ از نظام دلکیقطار شده باشد  
دلگی سر میباشد .  
هرگاه به طرف راست و یا چپ قسم سر  
اخیور شدن لازم آید ارتباط ؛ از جناحیکه اخیور  
مذکور بر آن میشود میباشد .  
بلوک هرگاه به نظام دلکیقطار باشد یا

طرف [ طرف راست و یا چپ ] و یا به دو طرف ؛  
 اخیور میشود . در صورتیکه به دو طرف ؛  
 اخیور میشود دلگی های نصف اول بلوک ؛  
 به طرف راست دلگی سر ؛ و دلگی های نصف  
 دوم بلوک ؛ به طرف چپ آن ؛ اخیور میشوند .  
 و اگر بلوک از ۳ دلگی ؛ مرکب باشد دلگی میانه  
 بطرف راست ؛ و دلگی سوم بطرف چپ رفته  
 اخیور میشوند .

۱۷۶ — بعد از دادن قومانده اخیور ؛ تفنگ  
 به وضعیت : « هجوم دپاره — توپک کشته ت »  
 می آید . بعده بقرار خواهش افراد یعنی یا بشروطیکه  
 دهن تفنگ ؛ اندک بالا بوده از مرکز نفاتش  
 گرفته میشود و یا زیر بغل برداشته میشود .  
 عنداللزوم امر : توپک بند اوژ دکی !  
 نیز داده میشود .

در انسانی حرکت بداخل جنگلهای کثیف و یا



درچنگ زدن بر بلندیهای سخت و یا در حرکات  
زحیف ... و الحاصل در حالاتیکه هر دو دست را  
آزاد داشتن لازم آید در خصوص آویزان کردن  
تفنگ به کردن ؛ نیز مساعده کرده میشود .  
۱۷۷ — بلوک ؛ خواه در ایستاده گی  
و خواه در رفتار که باشد برای اخپور کردن آن ؛  
قومانده :

فلانی بلوک — اخپور مارش !

داده میشود .  
و اگر اخپور نمودن کل بلوک بیک طرف ؛  
لازم باشد قومانده :

فلانی بلوک — شیته ( کینته ) اخپور مارش !

داده میشود .  
بلوک هر گاه در نظام دلکیقطار باشد اخپور  
شدنش بقرار فقره آخرین ( ماده — ۱۷۵ )  
میباشد .

در قومانده : اخپور مارش !

دلگی باشی ها بکمال سرعت ؛ پیشروی جبهه  
 بر آمده اساس خط اخیور را تشکیل میدارند .  
 دلگیمشر دلگی ارتباط در ابتدا رو برو و یا به  
 استقامتیکه امر شده است به گامهای کوتاه میرود .  
 دیگر دلگیمشرها نظر به موقع شان از دلگی  
 ارتباط ؛ شی ( کین ) کوژ رفته هر کدام شان ؛  
 متر خود را از دلگیمشر مجاورش نظر به متریکه  
 برای اخیوریان ؛ امر شده است میگیرد .

اخیوریان ؛ دلگی باشی های خود را از ده گام ؛  
 تعقیب میکنند . افراد صف دوم ؛ هر کدام بطرف  
 راست پیشفیل خود میرود . ما بین افراد یعنی  
 هنرها دو دو گام میباشد ؛ هر گاه متر زیاد تر  
 و یا کمتر ؛ مطلوب باشد بلوکشر ؛ قومانده  
 آتی را میدهد ؛ مثلا :

فلانی بلوک - چلور گام پرمنز [ نیم گام  
 پرمنز ( بی متر ) ] - اخیور مارش !  
 قوماندان بلوک ؛ استقامت رفتار را به دلگیمشر

دلگی ارتباط ؛ نشان میدهد . و خود بلوکش  
 بهمراه سخنان مسافه [ یکی بطرف راست و یکی  
 بطرف چپ ] و بوریزان یعنی طرمچی ؛ قاعده  
 در وسط بلوک ؛ و از خط دلگیمشرها لا اقل  
 ده کام بیشتر میرود . اما مجبور نیست که دائم  
 در موقع مذکور باشد . قومانندان بلوک ؛ چون  
 مجبور است باینکه بلوک خود را در اراضی ؛ ما  
 سوق نماید و بلوکش با بلوکهای مجاورش باعث  
 بی انتظامی نباشد و در عین زمان ؛ دشمن  
 زصد کند لهذا قومانندان مومالیه باید که  
 در یک محل و مسافه ؛ بند و مقید نبوده از  
 و مختار باشد .

۱۷۸ — هرگاه در یک استقامتیکه به جا

بلوک ؛ مائل باشد و یا بر یکی از جانبین ؛ تشکیک  
 خط اخپور ؛ لازم آید اگر چه مناسب اینست  
 که اولاً جبهه مطلوب گرفته شود و بعد از آن  
 کرده شود مگر استقامت جدید را در قومان

افزوده حرکات مذکوره را اجرا نمودن و نیز  
ممکن است . مثلا :

فلانی بلوک - استقامت ؛ نیم کینته آسیاب ،  
ارتباط له فلانی دلگی - اخیورمارش !

درین قومانده ؛ دلگیمشر دلگی ارتباط ؛  
فوراً استقامت جدیده را میگیرد .

۱۷۹ - برای اینکه بلوک ؛ جای بجای  
اخیور شود قومانده آنی داده میشود ؛ مثلا :

فلانی بلوک ( ارتباط له فلانی دلگی )  
زای په زای - اخیورمارش !

در قومانده مذکور ؛ دلگیمشرها بقرار  
( ماده - ۱۷۷ ) ؛ در پیشروی جنبه بلوک ویا  
دره وضعیکه اشغال کرده خواهد شد اساس خط  
اخیور را تشکیل میدارند .

دلگی ها برای اینکه پشت سر دلگیمشرهای  
خود بیایند از هم دیگر جدا میشوند . و در قومانده ؛

موضع نسی ! افراد ؛ داخل خط دلگی باشی ما  
میشوند ( ماده - ۱۸۷ ) .

۱۸۰ - هرگاه آرزو شود که خط اخپور  
به کمال سرعت ؛ تشکیل یابد قومانده آتی داده  
میشود ؛ مثلا :

فلانی بلوک - ارتباط له فلانی دلگی -

اخپور مارش ! مارش !

۱۸۱ - هرگاه بلوک ؛ پس می آید یعنی  
رجعت میکند و درین اثنا اخپور شدنش لازم آید قاعده  
ابتدا و رتد کرز میکند و بعده بقرار قومانده  
قبیل ؛ اخپور میشود :

فلانی بلوک ؛ زای به زای - اخپور

مارش !

## حرکات خط اخیور و موضع گرفتن آن

۱۸۲ — قسم مهمتربین تعلیم و تربیه تبت  
نظام ؛ عبارت ازینست که خط های اخیور ؛  
مسافه های دراز را بکمال انتظام قطع کنند و  
در اراضی صعب المرور نیز ؛ استقامت رفتار را محافظه  
نمایند . در قطعه عسکریه که تعلیم و تربیه اش مکمل  
باشد برای حرکات ؛ به عوض قومانده ؛ اشارت  
دادن کافیهست . متزهارا پوره محافظه نمودن و حذارا  
رعایت و اهمیت دادن ؛ چندان حاجت و اهمیت ندارد .  
مگر درین خصوص ؛ آنقدر ملاحظه کرده شود که  
یکی مانع حرکت و آتش دیگر نشود .

۱۸۳ — خط اخیور ؛ بی قید و آزاد و  
بیدار و بسرعت رفتار عادی ؛ حرکت میکند یعنی  
میرود . در شروع حرکت ؛ خواه سلاحها و  
خواه کارطوسدانی ها بدون امر ؛ قید و بند  
کرده میشود .

۱۸۴ — در حرکات پیش رفتن و یا به جانبین  
 بلوکشرها و دلگی باشی ها در پیشروی اخپوریا  
 یعنی بجانب دشمن میباشد . و در رجعت یعنی  
 در پس آمدن ؛ دلگیمشرها به جانب عکس دشمن  
 یعنی به پیشروی جهت آمده استقامت رفتار را  
 محافظه میکنند . مگر بلوکشرها باز بجانب دشمن  
 میمانند .

۱۸۵ — حرکات خط اخپور ؛ عبارت حرکت  
 از کل بلوک و یا یک قسم آن [ نصف ، دلگی ]  
 در استقامتهای ذیل میباشد :

- پیش رفتن ،
- پس آمدن ،
- به استقامتهای مائل [ شی کوز ،  
 کین کوز ] ،
- به جانبها [ شی خوا ، کین خوا ] ،
- تبدیل استقامت رفتار یعنی حرکات چرخ  
 برای پیش رفتن ؛ قومانده آتی داده میشود .

فلانی بلوک [ فلانی نصف ویا فلانی دلگی ]

مارش ! ویا : مارش ! مارش !

و برای پس آمدن ؛ قومانده :

فلانی بلوک [ ویا فلانی نصف ، فلانی دلگی ]

کین شا مارش ! داده میشود .

و برای قطع یک مسافه کوتاه در استقامتهای

مائل ؛ قومانده ذیل داده میشود :

فلانی بلوک [ نصف ، دلگی ] شی کوز

( کین کوز ) مارش !

• برای رفتن به جانها [ درپس پشت سپر و نیز

درخارج آتش دشمن ] ؛ قومانده آتی داده میشود :

فلانی بلوک [ نصف ، دلگی ] شی خوا

( کین خوا ) مارش !

تبدیل استقامت در ماده آتی مفصلاً مندرج است .

۱۸۶ — استقامت رفتار خط اخیور بواسطه

حرکت چرخ ؛ تبدیل کرده میشود . حرکت



مذکورہ یا بہ چرخ خرد و یا بہ چرخ کلان میباشد۔

اگر خرد باشد دو صورت دارد :

صورت اول : استقامت جدید داده میشود .

مثلاً :

استقامت ؛ وچ چنار ونه !

صورت دوم : قوماندہ حرکت چرخ دادہ

میشود و بعدہ استقامت جدید ؛ امر میشود .

مثلاً :

شی چرخ — مارش ! استقامت ؛ چنار ونه

و اگر چرخ کلان باشد تبدیل استقامت مذکور ؛

بہ طرز حرکات توسیع جہہ اجرا می یابد .

یعنی ہر دلکی کو یا تنها ہودہ باشد چرخ نمودہ

استقامت جدید را میگیرد . درین صورت البتہ از

ہمہ دلکی ہا قدمہ ہای متعدد حاصل میشود . بعدہ

تدریجاً ہر قدمہ ؛ پیشرفتہ داخل حذای قدمہ

محور میشود . قدمہ ہای محور باید کہ کامہای

خود را کوتاه بزنند تا قدمه های پسینه و رسیده  
داخل حذا شوند .

در خطهای دراز اخیور نیز بقرار فوق عمل  
نموده بلو کها قدمه ها حاصل میکنند . قدمه  
های مذکور در اثنای رفتار در توقف نخستین و  
تدریجاً و متوالیاً بجزای قدمه محور و داخل  
میشوند . ( ماده - ۲۸۷ ) .

۱۸۷ - هر گاه شروع آتش نخواهد شد  
قومانده :

**دریژ ! ویا پروت ! ویا زنگون کیژد !**

داده حرکت خط اخیور و قطع میشود . در  
قومانده های مذکور و همه افراد و وضعیتیکه  
امر شده است میگیرند . و قومانندان بلوک و  
دلگبایشی ها در پیشروی جبهه و جا بجا میمانند .  
در پسرقتار یعنی در هنگام پس آمدن و

هرگاه ایستادن لازم آید قومانده :  
 ورنه درین ! داده میشود . درین قومانده :  
 دلگیمشرها تکرار به پیشروی جبهه می براینند .  
 خواه در اثنای ایستاده کی و خواه در اثنای  
 رفتار ؛ هرگاه محاربه آتش کرده خواهد شد  
 قومانده :

موضع نسی ! داده میشود . درین  
 قومانده ؛ اخیورپها تابه حذای قوماندان بلوک ؛  
 پیش میروند یعنی به خط بلوکشر ؛ داخل شده  
 .وضع میگیرند . و هرگاه ممکن باشد نشانهگاه هارا  
 بیشتر از داخل شدن به موضع ؛ تنظیم کردن  
 لازم است .

۱۸۸ — بعد از اشغال موضع ؛ هرگاه فوراً  
 آتش کرده نشود و یا به آتش ؛ فاصله داده شده

باشد قوماندان بلوك ؛ امر ؛ پت سی !  
 داده افراد را در پس سپر ؛ چنین نگهبان دارد که  
 از نظر دشمن ؛ کاملاً مستور باشند . و برای ترصد  
 دشمن ؛ يك چند آدم ؛ تعیین میکند . و در  
 قومانده ؛ موضع نسی ! نفری ' اخیور ؛  
 آماده آتش میشوند .

۱۸۹ — برای اینکه نفری ' اخیور دوباره  
 پیشرفت کنند قومانده ؛ .

فلانی بلوك [ نصف و یا دلکی ]

تره پله — ولار ! مارش ! مارش !  
 داده میشود . در قومانده ترپله ؛ افراد اخیور ؛  
 حرکات پر کردن را اکیال نموده سلاحهای خود را  
 قید میکنند و کارتوسدانی را دوکه کرده آماده  
 جهیدن میشوند . افرادی که پروت کرده باشند

بدینگونه ؛ آماده جهیدن میشوند : تفنگ را از  
 حد قونداغ دست بدست چپ میگیرند و دست  
 راست را به زمین ؛ تکیه میدهند . و زانوی  
 راست را علی قدر الامکان ؛ زیر شکم خود کش  
 میکنند درین اثنا هوش کنند به اینکه تنه از  
 زمین ؛ بلند نشود . برای این مدعا ؛ شکم و سینه  
 به ران راست بچسبند [ ۱ ] . بعد از آنکه فاصله  
 که برای اجرای آماده گی های مذکور کفایت  
 کند بلوکشر در اثنای جهیدن خود ؛ قومانده :

ولار ! مارش ! مارش !

میدهد . درین قومانده ؛ تفریء اخپور بکمال  
 سرعت خیزته به کل زور خود میدوند .

---

[ ۱ ] خواه در اثنای اخذ موضع و خواه  
 در اثنای جهیدن ؛ دقت بسیار لازم است که به  
 دهن تفنگ ، خاک و غیره نزود . لهذا باید که  
 دهن تفنگ بزمین نرسد !

تربله های ۸ متره را نادرا آ تجاوزا کرده  
 میتواند [ ماده - ۳۳۸ ] . قاعده باید که  
 علی قدر امکان ؛ تربله های دراز کرده شود .  
 مگر برای اینکه دشمن برای آتش کردن ؛  
 فرصت نیابد میباشد که تربله های کوتاه نیز ؛  
 تعلیم کرده شود .

کیفیت مهمترین در اجرای تربله ها اینست :  
 که کل نفری ؛ یکجای و خیلی سریع بچیزند و  
 بسیار جلاک بدونند .

۱۹۰ — تربله ها بقرار ( ماده - ۱۸۷ ) ختام  
 می یابد و تنها در حین لزوم ؛ بدون تبدیل نشانگاه ؛  
 به هیچ امر منتظر نشده شروع آتش میشود .  
 اکثرا موضع جدید آتش ؛ بیشتر از تربله برای  
 نفری اخپور ؛ نشان داده میتوان شد .

۱۹۱ — در موضعی که گرفته شده است هرگاه  
 قوماندان بلوک ؛ مشاهده کند که قسم اعظم افراد

برای اینکه بالای دشمن ؛ آتش کرده بتوانند  
 به زنگون کیزد و یا به ایستادن مجبورند یعنی از  
 وضعیت پروت ؛ آتش کرده نمی توانند باید  
 بلوکشر مذکور این موضع را غلط بداند و فوراً  
 تفری را تکرار ؛ حرکت داده یک موضع مناسب  
 دیگر بگیرد .

و هرگاه خواه از شدت آتش دشمن و خواه  
 بسبب رعایت به قطعات مجاوره ؛ تبدیل موضع  
 ممکن نباشد بلوکشر مومالیه ؛ نظر به مساعدت  
 احوال محاربه یعنی در قطع نمودن آتش اگر محذور  
 نباشد افراد را در وضعیت پروت نگهداشته آتش  
 آنها را موقتاً تعطیل کرده میتواند . و یا از  
 همین وضعیت پروت برای چنین افراد ؛ دیگر  
 هدف ؛ نشان داده اجرای آتش میکند [ چنین  
 آتش را « آتش مقراضی » مینامند ] .

۱۹۲ — هجوم خط اخیور بقرار ( ماده )

( ۳۴۸ ) اجرا کرده میشود .

این بحث از صورت اول بود

۴۳

### انواع آتش و فرمانده های آن

۱۹۳ — خط اخپور ؛ خاص بعد از اخذ موضع ؛ آتش کرده میتواند .

۱۹۴ — در خط اخپور قاعده آتش اخپور

یعنی بچپسراور کرده میشود . استعمال آتش متحد

یعنی یکدم آتش به احوال نادره ؛ منحصر است .

هر وقتیکه به دشمن بغنه یعنی ناگاه آتش کردن ؛

و یا قطعه آتش کننده را شدیداً به قبض داشتن ؛

لازم آید استعمال نمودن یکدم آتش فائده مند

میتوان شد .

۱۹۵ — فرمانده که برای هر دو نوع آتش

داده میشود باید که حتی الامکان ؛ کوتاه و بقدر

لزوم به آواز بلند و واضح باشد . هر حرف

فرمانده ؛ یک یک فهمیده شود . و اولاً



استقامت، بعده هدف، بعده نشانگاه او بعده  
 نوع آتش؛ تعیین کرده شود. هدف باید که  
 بدین طرز؛ نشان داده شود که هیچ غلطی  
 راه ندهد.

قطعات عسکریه دشمن؛ به هر طور که از جانب  
 افراد اخیور دیده میشوند باید که بهمان طور؛  
 ذکر کرده شوند یعنی نظر به چپ و راست خود  
 نفری اخیور گفته شوند نه به چپ و راست  
 دشمن. مثلا: «به کین وزر دی بطریه»  
 گفته نشود بلکه: «به طوب لری له شی»  
 گفته شود.

بعد از ارائه هدف و تعیین نشانگاه؛ قومانده

**پچپلسر اور!**

داده میشود. بعد ازین قومانده؛ آتش فور  
 جاری میشود. اما برای یکدم آتش؛ انتظار  
 به قومانده؛ لازم است.

امثله در باب قومانده های آتش :

مخامخ اخیور ! نشانگاه ۸۰۰ !  
پخپلسر اور !

نیمشیته اسپور ! نشانگاه ۷۰۰ !  
پخپلسر اور ! - نشانگاه ۴۵۰ !

نیمکینته شنه تپه کی قطارونه ! نشانگاه  
۱۰۰۰۰ ! تیاراوس ! نشان - نیسی !  
اور ! دلک کی !

برای آتش اخیور

برای آتش متحد

۱۹۶ - در اثنای آتش : هرگاه دو  
نشانگاه ؛ استعمال شده باشد در قومانده که برای  
تبدیل یکی از آنها داده میشود لفظ نشانگاه ؛  
علاوه نمودن حاجت ندارد . مثلا :  
هرگاه آتش به نشانگاه های ۱۱۰۰ و

۱۲۰۰ کرده میشود و نشانگاه ۱۲۰۰ ر  
تبدیل کردن ؛ لازم آید قومانده :

۱۲۰۰ ؛ ۱۰۰۰ سی !

• داده میشود

۱۹۷ — در آتش اخیور یعنی در پخپلسراور

سرعت آتش به تقدیر و انتخاب اخیور یان ؛  
محول است • حسن تعلیم و تربیه افراد عسکر به

باید که به سوء استعمال مساعده مذکور ؛ مانع  
باشد • یعنی بکدام جای ؛ ورو آتش و بکدام  
جای ؛ شدید آتش لازم است آنها را باید که  
افراد اخیور بدانند •

به نیت و امید اصابت هر صرمی ؛ اجرای

آتش نمودن و نیز آتش را بکمال اعتنا اجرا کردن •

چون و وظیفه مهمه هراخیوری میباشد لهذا افراد

اخیور هر گاه به وظیفه مذکور ؛ رعایت کنند

سرعت آتش ؛ خود بخود معین میشود • اخیوری

هائیکا پهلو به پهلو اند در خصوص آتش باید که

مهما ممکن یعنی حتی المقدور ؛ معاونت هم دیگر  
خود را بکنند .

سرعت آتش که در شدید آتش ؛ بکار است  
باید که بواسطه سرعت حرکات پر کردن تفنگ و  
وضعیت نشان گرفتن ؛ به دست آید .

قوماندان هرگاه تزئید ویا تقیص سرعت  
آتش را خواهش کند قومانده های :

شدید اورا ؛ ویا ورو اورا ؛ میدهد .

۱۲۸ - برای قطع نمودن آتش اخپور ؛  
قومانده :

فلانی بلوک ؛ اوربند ؛ داده میشود .

قومانده مذکور را کافه دلکپاشی یان ؛ تکرار

میکنند و اگر بدینگونه ؛ شنوائیدن آن به کل

افراد ؛ ممکن نشد هر نفری که می شنود باید که به آواز

بلند ؛ تکرار کند .

آتش را بواسطه استعمال مزمار یعنی بواسطه

اشیلاق ؛ قطع نمودن ممنوع است . زیرا : احتمال دارد که بلوکهاییکه قطع کردن آتش شان باعث مضرت است نیز آتش خود را قطع کنند .

در قومانده : اوربند ! همه افراد اخیور ؛

خواه از حرکات آتش و خواه از حرکات پر کردن باید که فوراً واگذار شوند . حتی اخیوریانیکه تفنگهای خود را برای نشان گرفتن ؛ به شانه خود تکیه داده باشند نیز باید که تفنگهای خود را فرود آرند . الحاصل بمجرد شنیدن قومانده مذکور باید که يك سکونت قطعی ؛ حکمفرما بوده هرکس به او امریکه داده میشود گوش و دقت کند .

هرگاه دوام آتش به هدف سابق ؛ آرزو شود تکراراً هدف را تعیین نمودن ؛ حاجت ندارد یعنی تنها قومانده :

اورته دوام ؛ داده میشود .

# ولو و حرر طایفان

۴۹

و اگر من بعد آتش کرده نخواهد شد در  
همان فرصتیکه بواسطه قومانده : اوربند ! پدید  
آید قومانده :

به دکه ولو دوام ! داده [ ماده - ۵۱ ]  
حرکات بر کردن : اکمال کرده میشود .

## تأثیر آتش

۱۹۹ — تأثیر آتش [ یعنی استحصال تفوق

آتش ] به عدد تفنگهاییکه در محاربه آتش : ادخال  
کرده میشود و نیز به حسن استعمال آنها تابع  
است .

در هر مسافه : به هر نوع هدفها آتشیکه از  
جانب : اجرا کرده میشود بالخاصه : مؤثر

۵۰

میباشد .

تأثیر آتش : هر قدر که در اندک زمان وقوع یابد و هر قدر که ناگهانی واقع شود قوه معنویه دشمن نیز ؛ همتقدر بزودی متزلزل میشود .  
۲۰۰ — اجراءات و فعالیت افراد اخپور ؛  
به تعلیم و تربیه بدنیه شان و نیز به درجه متاعب و خلجان و هیجان شان ؛ تابع است .

### اداره آتش

۲۰۱ — اداره آتش ؛ یعنی آتش را بر هدفهای مهم به صورت مؤثره ؛ توجیه نمودن است .  
اداره آتش ؛ تا که ممکن است باید که بدست مافوقان باشد و بواسطه اداره مافوقان باید که

از سلاح ؛ استفاده کرده شود .

۲۰۲ — بسبب غلغله و اصوات کونا کون انداخت که در خط آتش پدید آید امر و قومانده هارا افراد به بسیار مشکلات میشوند . در چنین حالات ؛ دلگیمشرها و اگر کفایت نشود افراد نیز باید که اوامر را تکرار نموده یعنی از یکدیگر خود اخذ نموده بهمديگر ؛ تبليغ نمايند . در تکرار های مذکور باید بیان کرده شود که امر مذکور از کدام امر آمده و بکدام شخص ؛ حائذ است . و بدین ترتیب ؛ امر را تحریر آ دادن نیز ؛ موافق مقصد شده میتواند . از تبليغ اوامر بقرار فوق ؛ دلگیمشرها مسئولند . موما الیم ؛ يك دست خودها را بالا کرده رسيدن اوامر مذکور را اعلام میکنند .

۲۰۳ — حسن اداره آتش ؛ وابسته به اینست که مسافها بکمال امنیت ؛ تخمین کرده



شود .

بواسطه آلات مساحه و یا از خریطه ها پیموده  
 و نیز از توپچی و یا پیاده که آتش میکنند پرسیده  
 در خصوص مسافه ها استحصال معلومات اگر چه  
 ممکن است اما چنین صورتها از جمله وسائط متممه  
 میباشد . واسطه اصل ؛ مسافه را بکمال امنیت ؛  
 تخمین کردن است .

۳۰۴ — وقت شروع آتش را تعیین نمودن ؛  
 اول درجه تابع احوال محاربه میباشد . زمان  
 مذکور را تعیین نمودن ؛ قاعده و وظیفه ضابطیکه  
 در خط اخیور است میباشد .

قاعده هر وقتیکه حسن تأثیر آتش ؛ ملحوظ  
 و مأمول باشد و یا بی حمایه آتش ؛ تقرب به  
 دشمن ؛ باعث تلفات عظیمه میباشد آنوقت ؛  
 شروع آتش میشود .  
 آتش را خیلی وقتتر جاری نمودن ؛ عدم

سکونت را یعنی تلاش و وارخطابی را و نیز به  
نفس خود ؛ بی امنیتی یعنی عدم اعتماد نفس  
و بی دلی را نشان میدهد .

جیبخانه که صرف میشود هرگاه بابتیجه  
مستحصله ؛ متناسب نباشد دلالت به اسراف  
قوت میکند که این ؛ مضر و بناً علیه غیرجائز  
است .

هرگاه تاثیر آتش ما قلیل باشد اعتماد ذاتی  
دشمن می افزاید .

۲۰۵ — در خصوص انتخاب هدف ؛ اهمیت  
تعمیه وی آن ؛ به نظر اعتبار آورده میشود .  
هدف را زود زود تبدیل نمودن ؛ قوت آتش را  
تیت و پراکند میسازد .

برقطعاتیکه از عقب برای تقویه خط اخپوریکه  
بر آن ؛ آتش کرده میشود می آیند آتش را  
توجیه نمودن ؛ قاعده لازم نیست . چراکه

از سبب انتشار طولانی، سرمایهات؛ قطعات مذکور

اساساً مجبورند که از منطقه مضروب بگذرند.

۲۰۶ — هدف باید بدینگونه ارائه کرده شود

که از طرف افراد اخیور؛ سریعاً دریافت شود.

هدف هرگاه بجز دوربین دیده نشود باید که

بمرض آن؛ خطوط و غیره اراضی محل هدف را هدف

[یعنی نقطه نشان] قرار داده ارائه کرده شود.

برای دیده توانستن هدف؛ این نیز شایان

توصیه است که افراد اخیور؛ دوربین را بیکدیگر

خود بدهند.

۲۰۷ — آتش را بالای جبهه که بر آن؛

آتش کرده میشود تقسیم نمودن؛ بالخاصه مهم

است.

ازین سبب؛ قوماندان بلوک حدود تقسیم را

تعیین میکند. قوماندان مومالیه؛ وقت را

دیده پیشتر و یا پستر از شروع آتش؛ اجرای

تقسیم میدارد . برای اینکه درمابین حدود ؛ جای  
 خالی از آتش ؛ نماید مناسب است که حدود  
 معینه ؛ یکدیگر را قدری تجاوز کنند یعنی تیر و پیر شوند .  
 علی العموم باید که هر قطعه و هر فرد اخپور ؛  
 بر همان حصه دشمن که در پیشروی خود دارد  
 آتش کند مگر در حین لزوم ؛ آتش مقراضی  
 نیز باید کرد .

هرگاه بعضی اقسام جبهه دشمن ؛ خوب  
 دیده نشود برای اخپورها جائز نیست که آنها  
 بهمان اقسامیکه خوب دیده میشوند متبادلاً آتش  
 کنند . مع مافیه ؛ ممنوعیت مذکور در خصوص  
 استفاده از فرصتهاشیکه بسیار مساعدند [ مانند  
 تریله های دشمن ] مانع نمیشود .

۲۰۸ — سرعت آتش اخپور ؛ به وضعیت  
 محاربه و مقصد محاربه و نیز به جیبخانه که موجود  
 است و به حال هدف [ یعنی به جسامت و کثافت

هدف [ تابع است .  
در صورتیکه مسافه ؛ دور و احوال ضعیف غیر  
مساعد و شناختن هدف ؛ مشکل باشد سرعت  
آتش باید که خیلی زیاد نباشد .  
محاربه های آتش ؛ چون علی الاکثر ؛ خیلی  
دیر دوام میکنند لهذا در قسم اعظم مدت محاربه  
باید که جیبخانه بتصرف ؛ استعمال کرده شود .  
علی العموم ؛ در حال تزايد سرعت آتش ؛  
صحت اصابت برای صرمی منفرد ؛ تناقص  
وامتداد حزمه آتش ؛ عمقاً تزايد میکند .  
لکن بعضاً چنین سببها مانند وضعیت محاربه ،  
مقصد محاربه و حال دشمن [ مثلاً تریله ها ] و  
غیره پیش میشود که در خصوص استحصال تأثیر  
زیاده در اندک زمان ؛ باعث تزايد سرعت آتش را  
و بنا بران باعث صرف نمودن جیبخانه زیاد را  
استلزام میکند . و قوع اینگونه اسباب ؛ نادر نیست .

افراد اخیور ؛ چنین وضعیتها را شناخته  
در خصوص استفاده از هر فرصتی که وضعیت های  
مذکور ؛ عرض مینمایند باید که حائز ملکه و  
مهارت باشند .

۲۰۹ — سرعت آتش را بدرجه آنها  
تزیید نمودن در احوال آتیه ؛ موافق است :  
ا — در تعرض ؛ پیشترک از هجوم به برجه ؛  
یعنی در تیاری و آماده گئی آخرین  
قبل از هجوم ،

ب — در مدافعه ؛ در مقابله هجوم دشمن  
به برجه ،

ج — در طرد و دفع سواری ،

د — علی العموم ؛ در وقوع يك مصادمه  
ناگهانی و از نزدیک ،

ه — در تعقیب دشمنیکه رجعت میکند .

۲۱۰ — گاه گاه دوربین نیز استعمال نموده

تأثیر آتش را علی الدوام ؛ ترصد کردن لازم است .

قوماندانیکه آتش را اداره میکنند از صورت اصابت مرئیات و نیز از حال و حرکت خصم ؛ به تشخیص و تمیز این ؛ سعی باید کرده تدابیر و ترتیباتش موافق است یانه . و برای ترسید تأثیر آتش ؛ چه گونه تصحیحات در خصوص نشانگاه و نقطه نشان ؛ لازم است پیدا کند . هرگاه ترصد رأساً از خط آتش ؛ ممکن نباشد یا در جانب یا در عقب ؛ در محلهای مرتفع و مستور ؛ راصدها مقرر نمودن ممکن است .

علی الاکثر در محاربه های صحرا ؛ راصدهای جانب به حسن صورت ؛ استعمال کرده میتوان شد . راصدهای مذکور قاعده عبارت از نخمنان مسافه میباشد اینها مشاهدات خود را بواسطه اشاراتیکه پیشتر ؛ مقرر نمودن شان لازم است .

خبر میدهند .  
اینها هر گاه از طرف قطعه آتش کشنده  
دیده نمیشوند پوسته های متوسطه اقامه کرده

انضباط آتش

۲۱۱ — انضباط آتش : متمم اداره آتش  
است . چرا که انضباط آتش اگر نباشد اداره  
آتش نیز وجود نمی یابد .

انضباط آتش عبارت ازینکه امرها شبک در  
انسی محاربه آتش داده میشود تماماً اجرا یابد و  
نیز بقاعده ها مستقیم در خصوص استعمال اسلحه  
و طرز حرمت در محاربه ؛ عائد بوده در تعابیرنامه  
و در تعابیرنامه نق انداخت مندرج و مذکور است  
تماماً رعایت کرده شود .



از انجمله ؛ خصوصاً آتیه ؛ حاز اهمیت  
میشند :

- ا — خواه برای استناد سلاح و خواه برای  
تستر ؛ از اراضی تماماً استفاده نمودن ،
- ب — در تنظیم نشانگاه و در خصوص اینک  
هرمرمی اصابت کند دقت نمودن ،
- ج — برای اینک امر مافوقان فوراً اجرا یابد  
به مافوقانیکه قومانده میکنند گوش کردن  
و نیز برای اینک دشمن از نظر ؛ غائب  
نشود به او ؛ دقت متبادیه نمودن ،
- د — هرگاه حال حدف ؛ مساعدتر گردد  
[ مثلاً دشمن و قتیکه حرکت کند  
بک سطح کلانتر نشان میدهد ] آتش را  
خود بخود ؛ تسریع نمودن ،
- ه — وقتیکه دشمن از نظر ؛ غائب شد آتش  
را خود بخود قطع نمودن ،
- و — صرف نمودن جیبخانه به اداره .

درائتای جریان محاربه هرگاه آتش بدرجه  
که لازم است اداره کردن ؛ ممکن نشود [ یعنی  
در هنگام انقطاع موقتی اداره آتش ] ؛ و یا اداره  
آتش کاملاً منقطع شود [ انقطاع دائمی ] ؛  
هر نفر باید که وارخطا نشده فکر و اعتدال دم  
خود را محافظه نماید و هدف و نشانگاه را خودش  
انتخاب کند .

برای اینکه افراد درائتای حالت های فوق ؛  
خود بخود حرکت کرده بتوانند یعنی وضعیت  
محاربه را دیده طرز حرکت مناسبتر و موافقتر را  
فکر زده پیدا و اجرا کنند قابلیت لازم  
است . برای اعطای این قابلیت به افراد مذکوره  
می باید که در تعلیم های حضری ؛ و قوع تلفات را  
فرض نموده مشقها کرده شود و در مشقهای مذکور  
حالات محاربه که در آن ؛ اداره آتش منقطع  
میکردد افراد را آموخته کردن یعنی افراد را در چنین

حالات ؛ برای حرکت مصیبانه ؛ تعلیم و تربیه  
نمودن لازم است .

زردیک شدن ، یکجای شدن ،  
جمع شدن

۲۱۲ — برای اینکه قطعات عسکریه در انشای  
محاربه ؛ بهم مخلوط نشوند چاره مؤثرترین ؛  
اینست ؛ که قطعات مذکوره در خصوص گرفتن  
و پرکردن خالیگاه هائیکه بواسطه وقوع تلفات ؛  
حاصل میشود باید متمادی سعی و غیرت نمایند که  
به طرف قوماندانهای خود ؛ نزدیک شوند .  
دلکی هائیکه دو چارضا یعات زیاده باشند باید که  
بادلکی های مجاور خود ؛ یکجا شده تابع یک  
اداره و قومانده شوند .

همین نزدیک شدن ها قاعده خاص در اثنای  
حرکت یعنی در اثنای پیشرفت ؛ ممکن الاجرا  
بوده بشرط محافظه منزهاتیکه پیشتر امر شده است  
باید که تدریجاً کرده شوند .  
تنگی جای یعنی ضیق منزهات افراد اخیور  
هرگاه زیاده از لزوم گردید باعث تزايد تلفات  
و سبب حصول رخنه های مضر در جنبه عمومی  
میکردد .

۲۱۳ — در اثنای جریان محاربه ؛ قوماندان  
هر قطعه [ از دلگیشایی گرفته الخ ] هرگاه من بعد ؛  
بودن قطعه عسکریه خود را در تیت نظام ؛ بنا به  
مقصد و وضعیت ؛ لازم نبیند فوراً قطعه خود را  
فراهم آورده یعنی یکجای کرده به جزو نامیکه  
از خودش یک قدمه کلانتر باشد به التحاق و  
اتباع نمودن مکلف است . و درین باب حاجت  
به انتظار امر ندارد . چرا که سریعاً مجتمع بودن

عسکر به زیر دست قوماندان ها حائز اهمیت است .

۲۱۴ — برای اینکه يك خط اخیور به

مجمع نظام دراید امر ویا اشارت :

فلانی بلوك ( ویا دلکی ) یوزای سی !

مارش ! ویا : ( یوزای سی ! مارش ! مارش ! )

داده میشود ( ماده - ۱۱ ) .

حرکت مذکوره باید که به سرعت و به کمال

سکون و از راه کوتاهترین ؛ اجرا یابد .

حرکت مذکوره ؛ هر گاه به دیگر نظام ؛

امر نشده باشد بلوك به نظام صف حرب

یکجای میشود .

در اثنای یکجای شدن در حین ایستاده کی ؛

سلاح بوضعیت راحت کی میباشد و جناح راست

بلوك به بمقابل قوماندان می آید . یعنی افراد ؛

بلا توقف بوضعیت سلاح اوژه اولاً دلکی ؛

تشکیل کرده دلکیباشی خود را تعقیب میکنند .

و وقتیکه بداخل بلوک به جای خود رسیدند  
 قومانده دلگبازی ؛ راحت کی میکنند . حرکت  
 مذکوره برار آتی ؛ شرح و ایضاح میشود ؛  
 « بلوک و قتیکه ایستاده باشد یعنی در حرکت  
 نباشد بر جناح راست و یا چپ و یا بر مرکز ؛  
 یکجای میشود [ ۱ ] .

هر گاه بر مرکز ؛ تجمع تفری لازم  
 آید لفظ مرکز یعنی لفظ متر را در قومانده  
 علاوه نمودن حاجت ندارد . یعنی هر گاه  
 قومانده ؛

فلانی بلوک ( دلکی ) ؛ یوزای سی !  
 داده شد افراد اخیور باید که بر مرکز ؛

---

[ ۱ ] قوماندان بلوک ؛ نظر به موقعش و یا  
 نظر به جهتیکه بلوک را سوق خواهد کرد و یا  
 نظر به سرعت و سهوات حرکت تجمع ؛ یکی را از  
 شق مذکور انتخاب میکنند .

یکجای شوند .  
 برای تجمع افراد بر جناح راست و یا چپ  
 باید که لفظ شی و یا کین در قومانده یاد شود .  
 مثلاً :

فلانی بلوک ( دلگی ) ؛ پرشی ( بر کین )  
 یوزای سی !

فرض کنیم پرشی ؛ مطلوب باشد . درین  
 صورت ؛ دلگی جناح راست برای تجمع مذکور ؛  
 اساس میباشد . غبرک شی و زر آن ؛ پیشروی  
 بلوکشرا آمده ۳ کام دور می ایستند . درین هنگام ؛  
 پشت سر بلوکشر بظرف دشمن میباشد ؛ دیگر  
 افراد دلگی مذکور به وضعیت راحت کی ؛  
 اولاً غبرک و بعده دلگی تشکیل میدارند .  
 وقتیکه دلگی به پیشروی بلوکشر ؛ تشکیل یافت  
 دلگیمشر ؛ قومانده آرام سی میدهد .  
 دیگر دلگی ها به طرف راست ؛ به وضعیت

صلاح اوزه ؛ غبرك و دلکی تشكیل داده [۸]  
 دلکیباشی های خود را [ دلکیباشی ها درین اثنا  
 سریعاً پیشروی دلکی های آیند ] تعقیب میکنند .  
 وهنگام رسیدن شان به جایهای خود در داخل  
 بلوك ؛ بقرار قومانده دلکیباشی ها راحت کی و  
 آرام سی میکنند .

حرکت تجمع اگر بر جناح چپ باشد نیز  
 بقرار فوق میشود .

حرکت تجمع اگر بر مرکز باشد محل اساس ؛  
 وسط بلوك میباشد . یعنی دلکی های بلوك هرگاه  
 فرد باشد غبرك وسط دلکی میانه ؛ اساس است  
 و اگر دلکی ها زوج باشد غبرك جناح راست نصف  
 ثانی ؛ بلوك ؛ اساس است . دلکی اساس به شرطیکه

[۸] درین اثنا نفر اساس هر دلکی یعنی نفر  
 سمت تجمع به گامهای کوتاه میرود . و وقتیکه  
 دلکی بسته شد به گامهای دراز میرود .



غبرك اساس ؛ پیشروی بلوکشر باشد ؛ از هر دو  
جانب به طرف مرکز و یا تنها به طرف راست ؛  
جمع میشود .

دیگر دلکی ها بلا توقف به عین طرز ؛ به  
سوی دلکی اساس ؛ تجمع کرده بلوک را تشکیل  
میدارند . تفرعات ساثره حرکت مذکور بقرار  
فوق ؛ اجرا می یابد . در اشای تجمع ؛ حرف  
زدن و غیره ممنوع است .

حرکت هر گاه از حال توقف یعنی از ایستاده کی  
اجرا میشود جنبه دائما به طرف دشمن میباشد .  
حرکت تجمع هر گاه از حال رفتار باشد هر  
دلکی ؛ مجتمعا ؛ وضعیت سلاح اوژه ؛  
بلوکشر را تعقیب میکنند .

حرکت مذکور نیز ؛ بقرار آتی ایضاح  
کرده میشود :

در اشاییکه بلوک به رفتار باشد و یکجا شدنش

لازم آید در قومانده :

فلانی بلوک (دلکی) یوزای سی !

افراد در مرکز بلوک ؛ یکجا میشوند . و  
اگر قومانده :

فلانی بلوک (دلکی) پرشی (پرکین) یوزای

سی !

داده شود در جناحیکه امر شده است یکجای  
میشوند . چون افراد در رفتار است بعد از شنیدن  
یکی از قومانده های فوق ؛ همه افراد سلاح اوژه  
میکنند . دلکی اساس ؛ حال را دیده یا به  
طرف مرکز و یا بطرف راست و یا چپ ؛  
تزدیک میشود . غبرک اساس ؛ قوماندان بلوک را  
از ۳ کام ؛ تعقیب میکند . قوماندان مو ما الیه  
تا ختام حرکت ؛ به کامهای کوتاه میرود . و یا  
بدینگونه رفتن را به غبرک اساس ؛ امر میکند .  
دیگردلکی ها بلا توقف ؛ در عقب دلکیباشی  
های خود اولاً غبرک و بعده دلکی ؛ تشکیل

کرده و به سوی دلگی اساس رفته به بلوک

النحاق میکنند یعنی داخل بلوک میشوند .

حرکت تجمع هرگاه به مارش ! مارش !

باشد حاجت به تشکیل دلگی نمیباشد یعنی هرکس

به سرعت ممکنه دویده داخل بلوک میشود .

حرکت تجمع در پسرقتار نیز ؛ بقرار قاعده

های فوق میباشد . مگر بمجر دیکه استقامت

رفتار گرفته شد بلوکشر ؛ باز بطرف دشمن

میگذرد یعنی از عقب بلوک میرود . مع مافیه

هرگاه وقت ؛ مساعد باشد برای تجمع درحال

رجعت نیز ؛ اولاً درتوقف یعنی در ایستاده کی ؛

روبطرف دشمن گردانیده یکجا شدن و ببلده پس

آمدن ؛ شایان توصیه است .

خواه در ایستاده کی و خواه در رفتار هرگاه

تجمع بلوک به دلگیقطار ؛ لازم آید بعد از شنیدن

قومانده لازم ؛ دلگی اساس ؛ رأس قول را یعنی

سرقطار را تشکیل میدارد . دیگر دلگی ها از راه کوتاه ؛ هرکدامش که پیشتر رسید به عقب دلگی اساس آمده قطار را تشکیل میکنند . هرگاه دو دلگی در عین زمان یعنی بیک وقت برسند دلگی دست راست به دلگی چپ ؛ تقدم میکنند .

تقسیمات جدیدة [ تقسیمات دلگی ] که در اثنای محاربه بسبب تقویة خط اخیور کرده میشود باید تا زمانیکه برای تشکیل نمودن ترتیب اصلی ؛ فرصت [ مثلاً طرد دشمن و غیره ] پیدا شود محافظه کرده میشود .

۲۱۵ — قطعه عسکریه که در حال اخیور

باشد برای جمع نمودن آن به ترتیب اصلی یعنی هر نفر بهمان جایکه پیشتر از اخیور شدن داشت آمده جمع شود و یا قطمانیکه افرادش از قطعات مختلفه بوده مخلوطاً تجمع شده باشند برای اینکه آنها را به ترتیب اصلی ؛ تشکیل یابند قومانده :

فلانی بلوک ! به صف حرب جمع سی !

داده میشود . درین قومانده و اخیو رها بدون  
اینکه قطعات صغیره [ یعنی دلکی ] تشکیل دهند  
تزد بلوکشر رفته عملهای خود را در ترتیت اصلی  
میگیرند بدینگونه :

نفر شی وزر [ ازهر نظام که امر شده است ]  
پیشروی بلوکشر آمده ۳ کام دور می ایستد .  
افراد ساثره ؛ نظر به نفر مر قوم ؛ محل اصلی  
خود را در همین نظام که امر شده ست به وضعیت  
آرام سی میگیرند .

حرکت جمع شدن ؛ آنها در توقف یعنی  
در ایستاده گی ؛ اجرا کرده میشود .



ماده ۲۱۶ - قومانندان تولى ؛ استعمال و استخدام  
 بلوكهارا تنظيم ميكنند . و بقرار امرش يكي از  
 اقسام تولى ؛ اخپور ميشود . موما اليه براي  
 قسم مذكور و نيز براي اقساميكه در عقب ؛  
 نگاهداشته ميشوند تعليمات لازمه ميدهد .  
 تولىمشر ؛ در چنين جاي و محل ميباشد كه تولى  
 خود را از محل مذكور خويتر ؛ اداره كرده  
 بتواند .

۲۱۷ - قومانندان تولى ؛ هر گاه در خط  
 اخپور باشد هدف را انتخاب و اعطا ؛ و شروع  
 آتش را امر ميكنند . و نيز نتايج آلت مسافه

را بیان و تأثیر آتش را ترصد میکند . بدون  
اینها ؛ اداره آتش را به بلوکشرها ترك نموده  
خاص ؛ هر وقتیکه تأثیر اقسام متعدده ویا تأثیر  
کل تولی را در عین زمان و در عین محل ؛ توحید  
نمودن آرزو کند ویا احوالی را که بلوکشرها  
تفریق و تمییز کرده نتوانستند و مومالیه مشاهده  
کند بالذات ؛ مداخله مینماید .

### خط اخیور

۲۱۸ — صورت تشکیل خط اخیور و  
طرز حرکت و اخذ موضع نمودن آن ؛  
بقرار نومره های ( ۱۷۵ الی ۱۹۲ ) میباشد .  
قومانده که برای اخیور شدن ؛ لازم است  
آن را بلوکمشری یعنی صوبه دار میدهد مگر حال  
( ماده — ۲۲۱ ) مستثنا است .

۲۱۹ — هرگاه در عین زمان ؛ یکچند بلوک ؛ یکجای اخیور خواهد شد يك بلوك ارتباط ؛ تعیین کرده میشود . قاعدهٔ بلوك ارتباط ؛ ارتباط خود را باید که بداخل خود از وسط ؛ محافظه بدارد . و دیگر بلوکهای مجاور ؛ ارتباط داخلی خود ها را از دلگی جناح داخلی [ یعنی از دلگیهای جانب بلوك ارتباط ] بگیرند .

۲۲۰ — تویمشر هرگاه یکجا استعمال نمودن یکچند بلوك را بیشتر ؛ درك کرده بتواند بلوکهای مذکور را اولاً در عقب آن محلها میفرستد که پسان در انجا اخیور خواهند شد .

۲۲۱ — برای اخیور شدن کل توی ؛ تویمشر قومانده :

**فلانی توی ؛ تول — اخیور مارش !**

میدهد . درین قومانده ؛ توی هرگاه در نظام صف حرب و یا در نظام توی قطار بود بر بلوك وسط ؛



اخپور میشود .  
 تولى هرگاه در نظام بلوك قطار و يا نصف قطار  
 و يا دلگى قطار باشد بلوك سرفورا اخپور میشود .  
 و بلوكهاى پسينه اولاً شيكوژ و كينكوژ رفته خود را  
 به جناحهاى بلوك سر ميرسانند و بعد به جناح  
 داخلى خودها اخپور میشوند ( ماده - ۱۳۳ ) .  
 تولىمشر هرگاه بخواند كه همه تولى تنها بيك  
 جانب ؛ اخپور شود قوماً ندهد :

قلانى تولى ؛ تولى - شيته ( كينته ) -

اخپور مارش ! میدهد .

۲۲۲ - بوريزان ( طرمچى ) و طنبورچى

هاى تولى در محاربه به تأسيس ارتباط چشمى  
 مابين تولىمشر و بلوكشرها مستخدم میشوند .  
 يکى از بوريزانها نزد تولىمشر ؛ و ديگر بوريزان و  
 دو طنبورچى نزد صوبه داران ميباشند [۱] .

[۱] بوريزان و طنبورچى ها بايد كه براى  
 محاربه بواسطه فلامه ؛ تعليم و تربيه كرده شوند

استناد

- ۲۲۳ — هر آن قسم تولی یعنی حصه تولی  
که در عقب خط اخیور ؛ نگاه کرده میشود  
« استناد » نامیده میشود . قسم مذکور در  
خصوصات آتی مستعمل است :
- در تمديد جيبه محاربه ،
  - در تذكيف خط آتش ،
  - در پر کردن خالیگاه ها شيكه در خط  
اخیور پديد آيد ،
  - در ستر نمودن جناحها .
- موقع استناد یعنی محل استناد ؛ نظر به  
و ظائف فوق ؛ تعیین کرده میشود .
- ۲۲۴ — مسافه استناد از خط اخیور ؛  
تابع اراضی و احوال محاربه میباشد . نقطه  
نظر مهمترین در خصوص تعیین مسافه مذکور ؛

عبارت از اینست که خط آتش ؛ نام در وقت  
 لازم ؛ تقویه کرده شود . لهذا استناد  
 باید هر قدر که ممکن است قریب خط اخیور باشد .  
 مگر از تلفات بی لزوم نیز محفوظ بودنش لازم  
 است . مابین خط اخیور و استناد ؛ دائماً  
 ارتباط چشمی ؛ تأسیس نمودن ضروریست .  
 در اراضی غیر مرئی ؛ برای مقصد مذکور ؛  
 یک پوسته توسط ویا افراد متعدده ؛ اقامه نمودن  
 لازم دیده میتوان شد .

۲۲۵ — حرکت استناد باید که توفیناً

به اراضی یعنی نظریه اراضی ؛ اجرا یابد . نظامیکه  
 استناد میگیرد ؛ نیز تابع حال اراضی و تأثیر آتش  
 دشمن میباشد .

در اراضی ؛ که مستوراً حرکت نمودن ممکن  
 باشد استناد را به خطوه عادی و به مجتمع نظام ؛  
 بردن امکان دارد . بالعکس در اراضی غیر مستور

و در جاهای زیر آتش دشمن ؛ استناد علی الاکثر  
به تیت نظام ؛ داخل میشود و حتی برای پیشرفت  
به تریله ها نیز ؛ مجبور میگردد .  
جائزاست که استناد ؛ دلگی دلگی پیشرفت  
کند و نیز جائز است که برای یک مدت موقته ؛  
به صورت اتساع به جانبها [ یعنی به جانبها جدا  
گرفته ] از عارضه های زمین ؛ مکملآ استفاده  
نماید .

۲۲۶ — قوماندان استناد بسبب اینکه  
یک مساوت مفیده برای خط اخیور کرده  
بتراند باید که حرکات و موفقیات خط اخیور  
مذکور را بلا انقطاع ؛ ترصد نماید . و ما الیه  
مرکب حسب اللزوم ؛ قطعه عسکریه خود را  
برای پیشرفت ؛ به اقسام صغیره تفریق کرده  
باشد باز هم فورآ به یکجا نمودن [ جمع نمودن ]  
آن ؛ غیرت کند که از قبض خود نبراید .

۲۲۷ — خط آتش بواسطه تمديد و يا  
بواسطه پر کردن خالیگاه ها تقويه کرده میشود .  
اقسامیکه برای تقويه مأمورند اخیور شده به یکی  
از جناحهای خط آتش میروند و یا خالیگاه های  
آن را املا میکنند . اخیوریانیکه آتش میگردند  
بعجرد رسیدن افراد تقويه ؛ نشانگاه را به آواز  
بلند برای آنها اخیار میکنند .

قطعه تقويه بعضاً به وظیفه تشویق و تشجیع  
پیشرفت يك خط اخیور که حرکاتش دوچار  
توقف گردیده است ؛ نیز مکلف شده میتواند .

۲۲۸ — برای پر کردن خالیگاه های خط  
آتش باید که پیشتر آماده گی ها کرده شود .  
یعنی هنوز از مبدأ حرکت باید امتداد جبهه  
تقويه آن لازم است تعیین و افراد تقويه به هر  
خالیگاه هائیکه دیده میشوند تقسیم کرد  
شوند . ازین سبب ؛ جائز نیست که افراد

خط آتش ؛ یکجا گردیده کوت شوند .  
وقتیکه افراد تقویه ؛ داخل خط آتش شوند  
باید افرادیکه در اجرای آتش ؛ مشغولند تعجیز  
کرده نشوند .

۲۲۹ — سریمآ تفریق شدن خط اخیور  
به اقسام صغیره ؛ در تولی تعلیم کرده شود .  
برای مقصد مذکور ؛ بلوکشرها و دلکیمشرها  
خود بخود در جبهه ؛ تقسیم میشوند یعنی جبهه  
را مابین خود تقسیم میکنند . در تولی ؛ بقرار  
فوق سریمآ و مجدداً اقسام مقننه به وجود  
آوردن ؛ و اطاده انتظام اداره آتش را نمودن  
لازم است . خصوصهای مذکور خاص بواسطه  
تعلیمهاییکه پیشتر بکمال اهتمام اجرا یافته باشد  
تأمین کرده میشود .

## نزدیک شدن ، یکجا شدن ، جمع شدن

۲۳۰ — قواعد اساسیه که در خصوص

نزدیک شدن ، یکجا شدن و جمع شدن تولی ؛

بقرار اصولیکه در بحث بلوک ؛ بیان شده است

میباشد . ( ماده — ۲۱۲ — ۲۱۵ )

۲۳۱ — قوماندان تولی ؛ قاعده یکجای

شدن را بر یکی از بلوکها امر میکند . درین

حال ؛ بلوکها اولاً علیحده علیحده یکجا

میشوند و بعد به بلوکقطار ؛ نزدیک میشوند .

ویا دو حرکت مذکور را توحید نمودن جائز

است . درین باب بایدکه دائماً راه کوتاه انتخاب

کرده شود .

۲۳۲ — تولهیشر هرگاه آرزو کند که

کل تولی نزد خودش یکجا شود و در انشای

رفتار ؛ یکجا شده اورا تعقیب کند قومانده :

فلانی تولى — یوزای سی ! ویا :

فلانی تولى — یوزای سی ! مارش ! مارش !

مبدهد . درین قومانده ؛ ضابطان و افراد ؛

تولیمشر را استقامت گرفته یعنی رو به طرف

تولیمشر ؛ توجیه نموده و تدریجاً داکى و بلوك ؛

تشکیل کرده به بلوك قطار ( ماده — ۲۱۴ )

زديك میشوند . در اثنای رفتار ؛ اقسام مجتمعه

هر گاه هنوز تشکیل شده نتوانسته باشد کیفیت

مذکور و نیز در حین لزوم ؛ تقسیم جدید تولى

در محل اجتماع ؛ اجرا می یابد . بلوكها نيکه

پسان میرسند در عقب بلوكها نيکه بیشتر آمده

اند میباشند .

۲۳۳ — برای تشکیل ترتیب اصلی ؛

قومانده :

فلانی تولى — به بلوك قطار ! جمع سی !



داده میشود . بدون بلوک قطار و هر کدام نظماً  
که باشد نیز انتخاب کرده میتوان شد .

